

## اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبتنی بر اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

مهدی حسنی \*

محمد رحیم نظری \*\*

عباس برجویی فرد \*\*\*

### چکیده

یکی از موضوعات مهم و حائز اهمیت علم سیاست، مسئله مشروعیت حکومت‌ها است که از دیرباز همواره مورد توجه روشنفکران و اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی بوده است، طرح این موضوع از این حیث اهمیت دارد که کسب مشروعیت، تثبیت و تعمیق آن موجب استحکام و استمراربخشی هرچه بیشتر حکومت می‌شود. این پژوهش به روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA (تحلیل کیفی) به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پس از تجزیه تحلیل فیش‌های، در نهایت از مجموع ۱۰۰ فیش احصاء و استخراج شده ۲۶ فیش در پنج مضمون اصلی: (۱) وحدت کلمه و همبستگی ملی؛ (۲) مردم‌سالاری دینی؛ (۳) عدالت اجتماعی؛ (۴) اقتدار ملی حکومت اسلامی؛ (۵) کارآمدی نظام سیاسی و ۲۶ مؤلفه فرعی سازماندهی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی علیه السلام مقام معظم رهبری، مشروعیت سیاسی، حکومت اسلامی.

---

\* استادیار علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی علیه السلام (hassani-ma42@yahoo.cim)

\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی علیه السلام (nazarirahim47@gmail.com)

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (sndu.ac.ir@gmail.com)

**مقدمه:**

یکی از موضوعات مهم و حائز اهمیت علم سیاست، مسئله مشروعیت حکومت‌ها است که از دیرباز همواره مورد توجه ویژه روشنفکران و اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی بوده است. در این راستا طرح این موضوع از این حیث اهمیت دارد که ارتقای مشروعیت موجب استحکام و استمرار بخشی هر چه بیشتر حکومت می‌شود، کم‌توجهی یا نپرداختن به این موضوع می‌تواند زمینه تضعیف و زوال بنیان‌های مردمی حکومت را موجب شده و همین موضوع ضرورت تحقیق را نشان می‌دهد. اساساً هیچ قدرتی بدون توجیه فلسفی برای حق جلوه‌دادن اقدامات خود، نمی‌تواند به استمرار قدرت خود امیدوار باشد. به گونه‌ای که حتی دیکتاتورترین حکومت‌ها به دنبال مشروع جلوه‌دادن اعمال خود هستند تا به این طریق با اقناع افکار عمومی مردمان خود توان اعمال قدرت را داشته باشند. موضوع مشروعیت حکومت از جمله مباحث کلان نظام‌های است که ریشه‌های این بحث را در یونان باستان، در آثار افلاطون و ارسطو می‌توان دید که در طی زمان، متفکرانی چون سیسرو، آگوستین قدیس، توماس آکوئیناس، فارابی، ابن‌رشد، غزالی، ماوردی، خواجه نظام‌الملک، ابن‌سینا و سایر صاحب‌نظران، درباره آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند (خسرو پناه، ۱۳۸۸: ۷). از این رو، مکاتب مختلف هر کدام مبنایی برای این امر مهم ارائه داده‌اند، در این میان، اسلام نیز اصول و مبنایی دارد که باید مورد تحلیل فلسفی قرار گیرد.

مبنای مشروعیت آن‌چنان از اهمیت برخوردار است که در بسیاری از موارد، همین امر، موجب تمایز یک مکتب از مکتب دیگر شده است. آنچه مسلم است، این است که میان دیدگاه فلسفی غرب نسبت به مشروعیت حکومت، باتکیه بر مبنای انسان‌مداری، عقل جمعی انسان‌ها دانست به خصوص پس از رنسانس و انقلاب صنعتی، با آنچه ادیان الهی به طور عام و دین اسلام به طور خاص می‌گویند، تفاوت آشکاری وجود دارد. در اندیشه سیاسی اسلام، مشروعیت به معنای منصوب بودن از طرف خداوند و مطابقت با موازین و آموزه‌های دین اسلام است. پدیده انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ با رهبری امام خمینی علیه‌السلام و حمایت و همراهی توده عظیم و میلیونی مردم ایران شکل گرفته و به ثمر نشست، پس از پیروزی انقلاب اسلامی آرا و اندیشه‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه‌السلام و در ادامه مقام معظم رهبری که برگرفته از تعالیم حیات‌بخش اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آموزه‌های قرآن کریم

است محور حرکت انقلاب قرار گرفت. نگارش کتاب ولایت‌فقیه توسط امام خمینی علیه السلام قبل از پیروزی انقلاب، عملاً به‌عنوان یک مدل از نظام حکومتی مطلوب برای آینده سیاسی ایران تهیه گردیده بود. در این اثر با ادله فقهی مبانی مشروعیت حکومت اسلامی تبیین گردیده بود.

هدف اصلی این مقاله، توسعه دانش اسلامی و بومی در موضوع مشروعیت حکومت اسلامی و راهبردهای ارتقای آن شناخته شود تا دولت و حکومت در مسیر درست اداره جامعه قرار گرفته و بتواند با استفاده از ظرفیت‌های نظام، موانع و مشکلات را بر طرف نموده، زمینه تقویت گفتمان سیاسی مبتنی بر آرا و اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری را فراهم کند. از این‌رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که اصول و مؤلفه‌های مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری چیست؟ برای پاسخ به این پرسش در این مقاله به دلیل حجم بسیار زیاد مطالب، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA از روش تحلیل مضمون استفاده شده که یکی از روش‌های تحلیل کیفی است و در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم، استفاده شده است. محقق با مطالعه دقیق، مجموعه بیانات، مکتوبات امام خمینی علیه السلام در کتاب صحیفه امام خمینی (۱۳۴۲ تا ۱۳۶۸) و مجموعه بیانات، مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۹) در قالب نرم‌افزار حدیث ولایت و همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له است که مجموعه بیانات و دیدگاه‌های ایشان را منتشر می‌کنند بود است. داده‌های موردنیاز از راه مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری، گردآوری شده است.

### ۱. پیشینه تحقیق:

برابر بررسی‌های به‌عمل‌آمده از تحقیقات پیشین قابل‌دسترس نشان داد در زمینه موضوع ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی، پژوهشی که به‌صورت مستقل به آن پرداخته باشد، وجود ندارد. برخی از پژوهش‌های صورت‌گرفته که از نظر بخشی نزدیک به موضوع است به این شرح است: افتخاری، اصغر و موحدیان، میلاد (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان، عوامل مؤثر در مشروعیت حکومت ولایت‌فقیه از منظر امام خمینی، نتیجه تحقیق حاکی از آن است که امام

خمینی، مشروعیت حکومت فقیه عادل را در گرو دو عامل می‌دانستند؛ انتصاب الهی در مرحله ولایت بالقوه و نصرت مردمی در مرحله ولایت بالفعل. جوارشکیان، عباس و رنجبرزاده، فرزانه (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان، مقبولیت و مشروعیت رهبر حکومت اسلامی در اندیشه ملاصدرا و امام خمینی. یافته‌های این تحقیق حاکی است که از نظر ملاصدرا و امام خمینی در عصر رسالت، پیامبر اکرم ﷺ و در عصر امامت، امام معصوم علیه السلام و در عصر غیبت، حکیم الهی و مجتهد جامع‌الشرایط در رأس نظام سیاسی قرار دارد. از محتوای اندیشه سیاسی آنها، نظریه انتصابی بودن رهبری در عصر غیبت قابل استخراج است. افتخاری، اصغر و باباهادی، محمدباقر (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان، راهبردها و سیاست‌های ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری این پژوهش به دنبال یافتن سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری بود، در همین راستا از روش تحلیل مضمون برای یافتن مضامین در چارچوب بیانات مقام معظم رهبری، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را تبیین نموده‌اند. این سیاست‌ها باتوجه به ماهیتشان به دو سطح تقسیم می‌شوند فردی و سازمانی تقسیم می‌شوند که متناسب با ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کارآمدی هستند.

## ۲. مفاهیم و مبانی نظری تحقیق:

### ۲.۱. مفهوم حکومت اسلامی:

مراد از حکومت اسلامی، حکومتی است که اعمال اقتدار آن در ساختاری معین، به‌منظور تحقق وظایف و اهداف، بر اساس آموزه‌های اسلامی باشد. باید توجه داشت که اگر حکومت، صرفاً قوانینی وضع نماید که تعارضی با احکام دین نداشته باشد، حکومت اسلامی مطلوب قلمداد نمی‌گردد؛ بلکه باید اولاً: قوانین، باتوجه به موازین و چارچوب‌های کلی شریعت وضع گردند و ثانیاً: در مرحله اجرا نیز این قوانین منطبق بر احکام شریعت بوده، توسط افراد ذی‌صلاح به اجرا درآیند (شبان‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۵). امام خمینی در نظریات فقهی خود درباره اداره نظام اسلامی و اجرای احکام شرع از استقرار و ایجاد (حکومت اسلامی) و یا (دولت اسلامی) نام برده‌اند و در خصوص تمایز حکومت اسلامی از سایر حکومت‌ها، از منظر فقهی امام (حکومت اسلامی) با (سلطنت) متفاوت است. «حکومت اسلامی از بدو تأسیس بر (سلطنت و ولایت‌عهدی) خط بطلان کشیده و بساط آن

را در صدر اسلام در ایران و روم شرقی و مصر و یمن برانداخته است» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷). حکومت اسلامی از نوع (استبدادی) و یا (مشروطه سلطنتی) نیست، بلکه «حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است» (همان: ۳۳)؛ بنابراین نقطه تمایز نظام اسلامی با سایر دولت‌هایی که دارای حکومت‌های استبدادی، مشروطه سلطنتی و یا سایر حکومت‌ها است از دیدگاه ایشان در (رعایت و اجرای قوانین و مقررات اسلامی) است.

## ۲.۲. مفهوم مشروعیت!

مشروع، از ریشه شرع، بر وزن مفعول آمده است؛ یعنی آنچه که موافق شرع باشد چیزی که طبق شرع جایز باشد (معین، ۱۳۶۰، ج ۳: ۴۱۴۴). در لغت یعنی آنچه موافق شرع است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۹۴۹). واژه مشروعیت در متون سیاسی رایج، به معنای قانونی بودن یا طبق قانون بودن است؛ اما در طول تاریخ تغییراتی یافته و به معنای انطباق با سنت‌ها، قانون اساسی، رضایت و ... نیز به کاررفته است (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۵). برای مشروعیت اصطلاحی در سیاست، تعاریف گوناگونی ارائه شده است که عموماً فاقد جامعیت لازم هستند. اما در بین آنها تعریف مشروعیت به «حقانیت» و حق حکومت بر مردم (مصباح، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۰) دانسته‌اند؛ بنابراین کلمه مشروعیت بدین معناست که چه کسی حق اعمال ولایت دارد. بر اساس این تعریف به حکومتی مشروع اطلاق می‌شود که مردم، حاکمیت آن را پذیرفته باشند و اوامر و نواهی او را اطاعت کنند. ما در این تحقیق مشروعیت را به معنای حق اعمال ولایت در نظر گرفته‌ایم، با اتخاذ همین معنا از مشروعیت، درصدد بررسی شناسایی اصول و مؤلفه‌های ارتقای آن هستیم. اینک به پاره‌ای از تعاریف در باب مشروعیت اشاره می‌شود:

الف) مشروعیت یعنی پذیرش همگانی:

ج. ک. رابرت می‌گوید:

مشروعیت همان اصلی است که دلالت می‌کند بر پذیرش همگانی دست یافتن شخص یا گروه معینی به مقامی سیاسی، به طور کل از راه اعمال قدرت یا در برخی موارد

ویژه براین اساس که اعمال قدرت برای دستیابی به آن مقام با برخی اصول و رویه‌های عمومی اجرای اقتدار هماهنگ است (Dictionary: 799674, p.1s).

### ب) مشروعیت به معنی قانونی بودن یا طبق قانون بودن:

در گذشته در اروپای سده‌های میانه هم به همین معنی به کار می‌رفت. سیسرو این واژه را برای بیان قانونی بودن قدرت به کار برد. بعدها واژه مشروعیت در اشاره به روش‌های سنتی، اصول قانون اساسی و انطباق با سنت‌ها به کار رفته است. بعد از آن هم مرحله‌ای فرارسید که در آن عنصر رضایت به معنی آن افزوده شد و «رضایت»، پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد (عالم، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

### ج) مشروعیت یعنی توجیه عقلی:

مشروعیت یعنی توجیه عقلی «اعمال قدرت حاکم» و اینکه حاکم برای اعمال قدرت خود چه مجوزی دارد و مردم چه توجیه عقلی برای اطاعت از حاکم ارائه می‌کنند. مشروعیت، متضمن توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقادات است که نهادهای سیاسی موجود، مناسب‌ترین نهادها برای جامعه هستند. مشروعیت ارتباط نزدیکی با مفهوم تعهد و التزام به فرمان‌برداری دارد (اندرووینست، ۱۳۷۱: ۶۸-۶۷).

### د) مشروعیت یعنی حکومت از شایستگی، درستکاری یا خیر اخلاقی:

وقتی حکومت، مشروعیت دارد که مردم تحت فرمان، اعتقاد راستین داشته باشند بر اینکه، ساختار، عملکردها، اقدامات، تصمیمات، سیاست‌ها، مقامات، رهبران یا حکومت از شایستگی، درستکاری یا خیر اخلاقی از حق صدور قواعد الزام‌آور برخوردار باشند (رابرت دال، ۱۳۶۴: ۷۰).

## ۳.۲. مشروعیت نظام سیاسی:

در مطالعات علوم سیاسی، مفهوم مشروعیت نظام سیاسی تعاریف متفاوتی مطرح شده است، و به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم، مورد توجه محققان رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی، جامعه‌شناسی قرار گرفته است. مشروعیت سیاسی یکی از بنیادهای اساسی هر نظام سیاسی به شمار می‌رود که در دوام و بقای یک نظام سیاسی نقش اساسی را ایفا خواهد کرد. از مشروعیت

تعاریف متفاوتی مطرح شده است، اما به نظر می‌رسد که اکثر تعاریف، بر رضایت قلبی جامعه از سیستم سیاسی سخن می‌زنند «مشروعیت یعنی قانونی بودن یا طبق قانون بودن است» (عالم، ۱۳۸۹: ۱۰۵). بر اساس این تعریف، یک حکومت باید بر اساس قانون و سازوکارهای قانونی قدرت را در دست گرفته باشد، نه از مجرای خشونت و زور. مشروعیت سیاسی عبارت است از «پذیرش قلبی حکومت، حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت‌شوندگان» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۴) پذیرش قلبی مردم زمانی حاصل می‌گردد که شکل موجود سلطهٔ سیاسی، با ارزش‌ها و باورهای عمومی جامعه همسویی داشته باشد (همان). «مشروعیت یک نظام به معنی مطابقت نظام سیاسی یک کشور با ارزش‌های مقبول آن جامعه است» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۹). مشروعیت نه صرفاً به قانونی‌ات دولت از نظر حقوقی، بلکه به پذیرش اجتماعی آن از جانب اتباع مربوط می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۴۲). از مجموع تعاریف بر می‌آید که مشروعیت سیاسی بیشتر به معنی رضایت قلبی شهروندان از نظام سیاسی است. تنها سازوکارهای حقوقی و قانونی بسنده نیست، بلکه بر علاوهٔ سازوکارهای قانونی، مردم و شهروندان به لحاظ اجتماعی هم باید یک نظام سیاسی و کارگزاران سیاسی را پذیرفته و حمایت نمایند؛ بنابراین مشروعیت سیاسی برای یک نظام سیاسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مشروعیت سیاسی بازگو کنندهٔ این واقعیت است که مردم یک جامعه یک نظام سیاسی را چرا می‌پذیرند؟ و چرا از آن اطاعت می‌نمایند؟

#### ۴.۲. مشروعیت حکومت اسلامی

مشروعیت در نگاه فلسفه، کلام و فقه اسلامی به معنای مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلام است؛ یعنی حکومت و حاکمی مشروع است که پایگاه دینی داشته باشد. در ادبیات سیاسی رایج، مشروعیت به معنای «پذیرش حق اعمال قدرت از سوی شهروندان» تعریف می‌شود، اما از نگاه اسلام مشروعیت نظام سیاسی دقیقاً بر اساس تعریف مذکور تعریف نمی‌شود؛ بلکه مشروعیت نظام سیاسی به شرعی‌ات آن گره می‌خورد، بنابراین تفاوت اساسی میان تعریف مشروعیت از نگاه ادبیات رایج در علوم سیاسی و از منظر تفکر اسلامی مشاهده می‌شود (لاریجانی و غلامی ابرستان، ۱۳۹۰: ۶۵) با نگاهی به مباحث مطرح در این حوزه می‌توان دیدگاه‌های ناظر به مشروعیت حکومت را به دو دستهٔ کلی تقسیم کرد:

الف) دیدگاه‌هایی که نقشی برای مردم در مشروعیت به معنای حقانیت قائل نیستند و مشروعیت تکوینی، مشروعیت تغلیبی و مشروعیت الهی را در بر می‌گیرند.

ب) دیدگاه‌هایی که برای مردم نقشی در مشروعیت به معنای حقانیت قائل‌اند که می‌توان دیدگاه مشروعیت مردمی و مشروعیت مجموعی را در این دسته قرارداد. شمار بسیاری از فقهای شیعه از طرفداران نظریه مشروعیت الهی هستند که در اصطلاح از آن به «نظریه انتصاب به وصف، نه به اسم» تعبیر می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج: ۶، ۵۹) براین اساس حکومتی که پایبند به موازین شرعی و الهی باشد، حقانیت دارد. امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه منشأ حکومت را زور و اقتدار نمی‌داند و خود او هم در عمل این را ثابت می‌کند. از نظر علی علیه السلام منشأ اصلی حکومت، یک سلسله ارزش‌های معنوی است؛ ... او حکومت و ولایت امر مردم را ناشی از یک ارزش معنوی می‌داند، اما فقط این ارزش معنوی هم کافی نیست برای اینکه انسان فعلاً و عملاً حاکم و والی باشد، بلکه مردم هم در اینجا سهمی دارند و آن بیعت است ... بیعت منجز کننده حق خلافت است؛ آن ارزش‌ها آن وقتی می‌تواند فعلاً و عملاً کسی را به مقام ولایت امر برساند که مردم هم او را بپذیرند و قبول کنند که این مسئله در باب نقش مردم در حکومت باز موردتوجه قرار می‌گیرد (مقام معظم رهبری، بیانات در اولین کنگره نهج‌البلاغه، ۱۳۶۰/۰۲/۲۹؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23349>).

### ۳. روش‌شناسی پژوهش:

در پژوهش پیشرو، برای دستیابی هر چه بهتر به مطلوب، از فرایند تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، یک پژوهش کیفی و فرایندی برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۲-۱۹۱). در این پژوهش، با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA (نرم‌افزار تحلیل کیفی) داده‌های متنی پراکنده و متنوع که به داده‌هایی غنی و تفصیلی برای شناخت، تحلیل الگوی موجود در آنها تبدیل می‌شود. برای دستیابی به نتیجه مفید در تحقیق‌های کیفی، لازم است داده‌ها پژوهش به صورت روشمند، بررسی و تحلیل شوند. تحلیل داده‌ها مرحله‌ای حیاتی از تحقیق کیفی است که مستلزم اقدام اساسی برای گردآوری داده‌ها و مرتبط کردن آنها با مفاهیم انتزاعی سطح بالاتر است (جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

### ۳.۱. ویژگی‌های تحلیل مضمون:

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی و فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. برخلاف روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا، نظریه داده‌بنیاد و روش‌های مشابه آنها، تحلیل مضمون به چارچوبی نظری که از پیش وجود داشته باشد، وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۱). محصول تحلیل مضمون، توصیف مفاهیم و الگوهای مهم موجود در متن و ارائه آنها در قالب طرحی کلان و یک‌پارچه است؛ برای تشریح چگونگی این الگوها از شبکه مضامین می‌توان بهره برد. شبکه مضامین حاصل نظام‌مند کردن سه سطح از مضامین - مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه‌ای - و ایجاد و نمایش رابطه میان آنهاست. باتوجه به مطالب بیان شده، ویژگی‌های تحلیل مضمونی را می‌توان چند مورد دانست:

- ۱) روشی بسیار سودمند در یافتن بزنگاه‌های معنایی در متن یا مجموعه‌ای از متون؛
- ۲) تکیه بر دریافت‌ها، احساسات و تجارب صاحب سخن؛
- ۳) اهمیت این روش درباره متون و داده‌هایی با حجم زیاد؛
- ۴) به‌دست‌آوردن مهم‌ترین مفاهیم درون متن با استفاده از جزء بندی، مقوله‌بندی، خلاصه‌سازی و بازسازی؛
- ۵) تسهیل جستجوی الگوهای موجود در متن (جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

### ۳.۲. شناسایی مضمون پژوهش:

هر متن یا داده، دارای طرح‌ها (ایده‌ها) و مفاهیمی است که در صورت فهم درست آنها می‌توان ساختار و چارچوب اصلی متن را به دست آورد. مضمون یا تم، دربردارنده نکته‌ای مهم درباره داده‌های مرتبط با پرسش پژوهش است و مفهوم و معنایی عمیق از داده‌ها را بازنمایی می‌کند که حاصل کشف الگوی مضمی در روابط میان آنهاست.

مضمون یک طرح و اصل عینی نظام‌مند است که در حول و حوالی آن، جهان نویسنده میل دارد خود را سازمان داده، بسط پیدا کند. اساس در آن، همان ارتباطات پنهانی است، آن هویت پنهانی و مخفی که باید از پوشش ساختاری که آن را دربرگرفته است،

بیرون کشید و آشکار کرد. مضمون‌های اصلی یک اثر، معماری پنهان آن را به وجود می‌آورند و باید بتوانند کلید نظام آن را به ما بدهند. مضامین، اغلب در اثر، توسعه داده و از سر گرفته می‌شوند. تکرار و از سرگیری، از دغدغه‌های ذهنی ناخودآگاهی نویسنده خبر می‌دهد (بابک معین، ۱۳۹۴: ۸۶).

### ۳.۳. روش‌های شناخت مضامین پژوهش:

باتوجه به تعریفی که از مضمون ارائه دادیم، روشن شد که برخی از مضامین به صورت آشکار در متن وجود دارند و برخی را با مذاقه در متون باید یافت ولی پرسش اصلی، این است که «مضمون چه ویژگی‌هایی دارد و از کجا باید آن را شناسایی کرد؟»؛ با اینکه در تحقیق‌های کیفی نمی‌توان پاسخی روشن و صریح ارائه داد، می‌توان ویژگی‌هایی را نام برد که راهنمایی مناسب برای ما باشند. در شناخت مضمون، توجه به برخی ویژگی‌های موجود در متن می‌تواند به شناخت مضامین یاری رساند که برخی از آنها عبارت‌اند از: توجه به کلمات تکراری، توجه به کلمات مکنون، توجه به کلمات کلیدی، مقایسه و هم‌سنجی، کاوش موضوع‌های مهم، جستجوی اطلاعات مفقود (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

### ۴.۳. عناوین و طبقه‌بندی مضامین پژوهش:

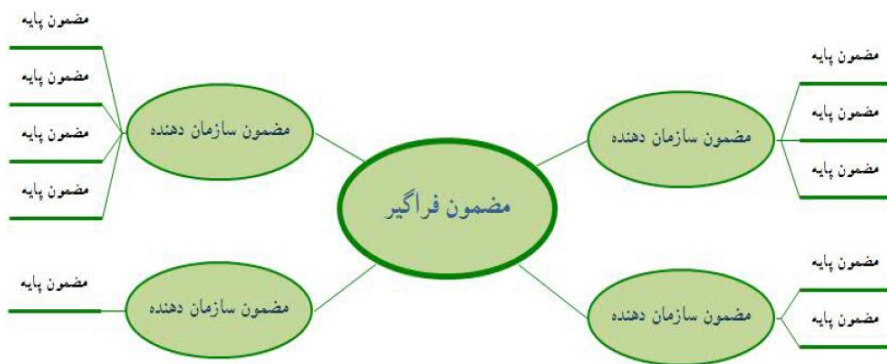
طبقه‌بندی‌هایی متفاوت درباره مضامین ارائه شده است؛ برای نمونه براساس [مواردی مانند] زمان شناخت مضمون، ماهیت مضمون در متن، سلسله مراتب مضمون در قالب مضامین، جایگاه مضمون در شبکه مضامین، قابلیت مشاهده مضمون در متن، منشأ شناسایی مضمون، نقش مضمون در تحلیل و تثبیت موقعیت مضمون، مضامین را طبقه‌بندی کرده‌اند. که یکی از پرکاربردترین روش‌های آن، طبقه‌بندی با توجه به جایگاه مضمون در شبکه مضامین است:

(۱) فراگیر یا کانون شبکه؛

(۲) سازمان‌دهنده یا واسط؛

(۳) پایه یا نکات کلیدی متن (جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

نمودار (۱) دسته‌بندی و طبقه‌بندی مضامین:



(منبع: جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹)

۳.۵. فرایند تحلیل مضمون پژوهش:

برای انجام پژوهشی با روش تحلیل مضمونی، سه مرحله اساسی را باید پشت سر گذاشت: اول، تجزیه متن؛ سپس بررسی متن و کدگذاری و در مرحله نهایی، بازسازی و تولید گزارش نهایی. برخی مانند براون و کلارک، فرایند تحلیل مضمون را در شش مرحله توضیح داده‌اند:

(۱) آشنا شدن با داده‌ها؛ (۲) ایجاد کدهای اولیه؛ (۳) جستن به دنبال مضمون‌ها میان کدها؛ (۴) بازبینی مضمون‌ها؛ (۵) تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها؛ (۶) تولید گزارش نهایی (Braun Virginia, 2006: 77-101).



( منبع: Braun Virginia, 2006: 77-101 )

#### ۴. چارچوب تحلیلی پژوهش:

روش تحلیل مضمون، یکی از روش‌های پژوهشی روی متون است و اغلب، هنگامی کاربرد دارد که با حجمی عظیم از داده‌ها روبه‌رو باشیم. با استفاده از این روش، داده‌های متن کاهش یافته، بخش-بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و سپس به گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم و مؤلفه‌های موجود در متن از درون داده‌ها استخراج شوند؛ این روش، شیوه‌ای برای شناسایی، تحلیل و گزارش در درون داده‌هاست؛ با استفاده از این شیوه، دست‌کم داده‌ها با جزئیات غنی سازمان یافته، توصیف می‌شوند (Boyatzis, 1998: 36). در تحلیل مضمون برخلاف گراند تئوری<sup>۱</sup> به دنبال توسعه نوعی تبیین روایتی یا نظریه نیستیم بلکه هدف، استخراج الگو یا مدلی مفهومی است که در دل متن، نهفته است و ضرورتی برای صورت‌بندی نظریه جدیدی برای توصیف یافته‌ها وجود ندارد؛ پس روش تحلیل مضمون علاوه بر اینکه به پژوهشگر امکان می‌دهد که مضامین موجود در متن را بررسی و استخراج کند و می‌تواند به الگویی نظام‌مند از مضامین و روابط میان آنها نیز منتج شود. این مقاله قصد دارد با کمک مضامین و مفاهیم به دست‌آمده آرا و اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، به شبکه‌ای از مضامین اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی برسد که در نهایت این شبکه، چارچوب تحلیلی مقاله را تشکیل خواهد داد.

#### ۴.۱. تجزیه تحلیل داده‌های پژوهش:

هدف اصلی این مقاله، استخراج اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری است که برای تحقق این هدف، از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. باتوجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه و سابقه پژوهشگران در حوزه اندیشه رهبری، ابتدا فیش‌های مربوط به موضوع روشنفکری، به صورت کلی احصاء و استخراج شد که بالغ بر صد (۱۰۰) فیش با درجه ارتباط «بالا» و «بسیار بالا»

گردآوری شد. با فراخوانی فیش‌ها در نرم‌افزار MAXQDA و انجام کدگذاری اولیه، تعداد ۲۶ مضمون پایه‌ای و ۲۶ فیش با درجه ارتباط «بسیار بالا» برای پژوهش حاضر انتخاب شدند. جدول شماره (۱): مضامین پایه‌ای و فیش‌های مرتبط با آنها

ردیف	فیش‌ها جمع‌آوری شده	مضامین پایه‌ای	کد
۱	عوامل و عناصر قدرت و اقتدار را برای این نظام به وجود بیاورد. یکی از عناصر اقتدار علم است، یکی از عناصر اقتدار توانایی‌های نظامی است، یکی از عناصر اقتدار توانایی نفوذ در افکار و اندیشه‌های ملت‌های دیگر است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۹/۰۱) این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی می‌شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سومی علم و دانش. (همان، ۱۳۹۱/۰۱/۰۱)	- ایجاد عناصر اقتدار ملی (قدرت): اقتصادی، نظامی، فرهنگی- اجتماعی، سیاسی، علمی- فناوری)	K1
۲	یکی دیگر از مبانی [مشروعیت] محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این: مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است: رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۲/۱۴)	- افزایش مشارکت مردمی و محور قرار گرفتن مردم در اداره جامعه	K2
۳	یکی از اساسی‌ترین کارها حفظ اتحاد و وحدت کلمه است. احاد ملت مراقب باشند به خاطر اختلاف نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه‌های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند. بدانند که قدرت این ملت در اتحاد است؛ اتحاد احاد مردم، اتحاد گروه‌های اجتماعی گوناگون، اتحاد اقوام مختلفی که در کشور زندگی می‌کنند، اتحاد مسئولین کشور با مردم، مردم با مسئولین کشور؛ این است که به این کشور اقتدار میبخشد و تا حالا اقتدار پخشیده و بمانده این اقتدار هست؛ این [اقتدار] را حفظ کنند. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۸۰۲/۱۱)	- قدرت درحفظ اتحاد و وحدت کلمه	K3
۴	از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی می‌تواند لذا سعی می‌کنند عناصر قدرت را مخدوش کنند و از بین ببرند. عناصر قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است، پابندی به اصول و مبانی انقلاب است، حرکت پیشرفت‌رو به توسعه‌ی علمی است، توسعه و تعمیق فرهنگ انقلابی و اسلامی است؛ اینها عناصر قدرت ما است؛ با اینها مخالفتند. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۷/۰۷/۱۲)	- توسعه و تعمیق عناصر قدرت و اقتدار نظام اسلامی	K4
۵	ما مردم‌سالاری دینی را مایه‌ی رشد مینماییم، مایه‌ی توسعه مینماییم؛ هم توسعه‌ی معنوی، هم توسعه‌ی مادی. مردم‌سالاری دینی ارزش بسیار والایی است که ما برای دنیا و آخرت مردم از آن بهره‌مند شده‌ایم. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۶/۱۰/۲۶)	- توسعه‌ی مردم‌سالاری دینی مایه‌ی رشد و توسعه مادی و معنوی	K5
۶	آنچه از پیامها و آثار شگافی و مکتوب حضرت امام بر می‌آید، این است که ایشان در مواردی با وجود آنکه می‌دانستند ممکن است مردم در انتخابشان دچار اشتباه شوند، اما مستقیم دخالت نمی‌فرمودند و با صراحت مردم را تصمیم‌گیران نهایی تمامی مسائل ذکر می‌کردند (صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۵۹). و سیاست خویش را بر مبنای آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم می‌دانستند که هیچ چیز را فدای آن اصل نمی‌کردند. (همان؛ ج ۴، ص ۲۶۴).	- تصمیم‌گیران نهایی تمامی مسائل مردم در نظام اسلامی	P6
۷	معیار قضاوت و ارزش‌گذاری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی نباید معیارهای غربی باشد؛ چون آنها فرهنگ دیگری دارند و به دنبال اهدافی کاملاً متفاوت با اهداف ما هستند. کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام را باید با اهداف خود سنجید، نه با اهداف دیگران. بزرگ‌ترین دلیل «کارآمدی نظام»، استمرار و بقای آن است و اگر نظام اسلامی ناکارآمد بود، تاکنون بلعیده شده بود. (مقام معظم رهبری، بیانات دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷)	- معیار قضاوت و ارزش‌گذاری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی نباید معیارهای غربی باشد	K7
۸	آن عاملی که انقلاب (اسلامی ایران) را به پیروزی رساند، همان عامل، (این) انقلاب را تداوم خواهد داد؛ یعنی اکتال به خدا و ایمان مردم به اسلام و تصمیم قاطع بر انجام وظیفه الهی و اسلامی و وحدت کلمه، رمز پیروزی و تداوم انقلاب است (مقام معظم رهبری، ۶۸/۰۴/۲۱).	- پیوند مستقیم وحدت کلمه و همبستگی ملی	K8

K9	- قدرت و اقدار کشور در خودکفایی است	قدرت کشور در خودکفایی است؛ اقتدار کشور، آبروی کشور در خودکفایی است؛ باید بتوانیم ارکان لازم نیازهای خودمان را خودمان تهیه کنیم. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۲/۲۴)
k10	- همگرایی و هم‌افزایی سه قوه در جهت اتحاد و انسجام ملی	انسجام و اتحاد بین مسئولین اداری کشور و مدیریت کشور همیشه لازم است (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۷/۰۶/۰۷)، مسئولین کشور مراقب باشند که این اتحاد را زیاد کنند سه قوه با همدیگر کار کنند و هم‌افزایی کنند؛ مخصوصاً رؤسای سه قوه. اگر چنانچه این هم‌افزایی، این اتحاد، این همکاری انجام بگیرد، مطمئناً این اتحاد ملی روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد. (همان، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶)
K11	- ارتقای اثربخشی و کارایی اداری (اثربخشی عینی عملکرد)	مشروعیت همنه ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. هرچا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۸۲/۰۶/۲۱) توجه به اثربخشی و کارایی در فرایندها و روش های اداری به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمات کشوری (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۱/۲۱)
K12	- کارآمدسازی ساختارهای نظارتی اداری	کارآمدسازی و هماهنگی ساختارها و شیوه های نظارت و کنترل در نظام اداری و یکپارچه سازی اطلاعات (مقام معظم رهبری، سیاست های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹/۰۱/۲۱)
K13	- شناخت توطئه دشمن در ناکارآمد نشان دادن کشور (مقابله با جنگ روانی)	دشمنان به شدت در تلاشند که ناکارآمدی نظام اسلامی را القا کنند، امروز یک جریان تبلیغاتی آشکار در دنیا وجود دارد که عمده تلاشی آن برای این است که نظام و به تبع نظام، دولت را ناکارآمد جلوه دهد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۶/۰۴)
K14	- کاهش فاصله های طبقاتی و جغرافیایی و برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها	به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این‌چنین نباشد که اگر مطلقاً در نقطه‌ای جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید. (مقام معظم رهبری، بیانات، در اجتماع زائران مشهد مقدس ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)
P15	- استفاده از مدیریت های کارآمد، متخصص و متعهد (شایسته سالاری)	مدیریت های کارآمد، دلسوز و متعهد را نیز می توان از شرایط نوآوری و شکوفایی دانست. چرا که بدون برخورداری از چنین مدیریتی دستیابی به نوآوری و شکوفایی ناممکن می شود (رهنمودهای امام خمینی، ۱۳۶۹).
P16	- مبتنی بودن پیشرفت و توسعه به وحدت کلمه و اسلام	با اعتصام بحبل الله پیشرفت کردیم و خواهیم کرد. تاین وحدت کلمه نباشد و تا توجه به اسلام نباشد، نمی توانیم پیشرفت کنیم. مسائل به حسب علمی و به حسب کلی معلوم است. لکن عمده این است که ما دنبال این مسائل معلوم عمل کنیم. (رهنمودهای امام خمینی، ۱۳۶۹).
P17	- راهبرد خودکفایی و قوی شدن در حوزه اقتصاد، کشاورزی و صنعت	یکی از مسائل مهم ما مسئله اقتصادی است. ما باید سعی کنیم که از حیث اقتصاد قوی و بدون وابستگی باشیم و باید مسئله کشاورزی، بیشتر مورد نظر باشد. البته به طرف صنعت هم باید رفت. (رهنمودهای امام خمینی (ره)، مجله حوزه، سال هفتم، شماره ۲۸-۳۷). باعث مسرت است که ملت مسلمان ایران با هم این تحریمها و مشکلات مقابله کرد و به جای دست دراز کردن به سوی سایر کشورهای پیشرفته برای کمک، شروع به ساخت هم چیزهای مورد نیاز خود نمود. (امام خمینی (ره) ماهنامه حضور، شماره ۲۰، ص ۲۸۴)
K18	- علم تولید اقتدار و قدرت می کند (اقتدار علمی)	باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم. در یک روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: «العلم سلطان، من وجهه صال و من لم یجده صیل علیه» یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱)
K19	- انسجام و همبستگی مردم و دستگاه های مدیریتی نظام سیاسی	یک نکته ی مهم، انسجام مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور است. مردم بایستی با دستگاه‌های مدیریتی کشور -چه دستگاه قضائی، چه قوهی مجریه، چه بقایه‌ی دستگاهها- ارتباط پیدا کنند؛ انسجام، البته بخش مهمی از این اعتمادسازی به عهدهی خود دستگاهها است؛ یعنی خود دولت، خود قوهی قضائیه، خود دستگاه‌های دیگر بایستی رفتارشان، عملشان جوری باشد که جلب اعتماد بکنند؛ هیچ دولتی هم بدون کمک و پشتیبانی مردم قادر به کار نیست، نه دولت ما و نه هیچ دولتی در دنیا. ما نباید کاری کنیم که این پشتیبانی و اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی کشور -چه در بخش قضائی، چه در بخش قوهی مجریه و

		بقیه یخشها [امتداد] نیروهای مسلح- سلب شود. ( مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)
۲۰	K20	علم، عامل ایجاد اقتدار اقتصادی-سیاسی و آبرو و کرامت ملی در چشم جهانیان است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۵/۱۵)
۲۱	P21	تأکید امام(ره) بر عدالت‌پایه بودن قانون و فقه، به واسطه همین نگاه مبنایی به عدالت است که امام(ره) معتقد است که قانون و فقه نیز باید مبتنی بر عدالت باشد و مجموعه قوانین و احکام باید زمینه‌ساز تحقق عدالت باشند؛ «احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می باشد، بلکه احکام مطلوب بولعوض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت» و «همانا اسلام برای تأسیس حکومت عادلانه‌ای قیام کرد که در آن قوانین مربوط به مالیات و بیت‌المال و اخذ آن از تمامی طبقات بر اساس عدالت باشد و قوانین مربوط به جزا و قوانین مربوط به جزا و قوانین مربوط به قضا و حقوق بر اساس عدالت باشد.» (امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۲۷۲)
۲۲	K22	یک اصولی هم برای این نظام بر مبنای انقلاب به وجود آمد: عدالت، عدالت اجتماعی، برداشتن فاصله‌های زیاد بین قشرهای مختلف مردم [است] در این زمینه البته کم‌کاری داریم، عقب‌ماندگی داریم، کاری که باید در این زمینه انجام بگیرد آن‌چنان‌که شایسته و لازم بوده انجام نگرفته؛ باید بجد دنبال این باشیم و بدانید که به توفیق الهی دنبال این هستیم و از این قضیه صرف‌نظر نخواهیم کرد؛ این یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است. البته راهش مبارزه با ظلم و مبارزه با فساد است. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹)
۲۳	K23	مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه‌ی مشروعیت ماست. ( مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۸۲/۰۶/۳۱) اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها بایند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظلم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این‌چنین نیست که فقط یک محاسبه عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نتشناخته است؛ هرکسی حوزه معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نتشناخته است. ( مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۴)
۲۴	K24	مردم‌سالاری یعنی از اول، تعیین نظام با رأی مردم؛ تعیین آن کسانی که باید بنشینند قانون اساسی را تنظیم کنند [یعنی] خیرگان قانون اساسی با رأی مردم؛ بعد که قانون اساسی تنظیم شد به وسیله‌ی منتخبین مردم، خود آن قانون اساسی باز در معرض رأی مردم؛ قوه‌ی مقننه، قوه‌ی اجرائیه، شوراها، گوناگون، خود رهبری، با رأی مردم؛ خیرگان رهبری را مردم معین می کنند، آنها آن وقت یک رهبری را [انتخاب میکنند]؛ یعنی همه چیز برمی گردد به رأی مردم؛ این [چورا] اداری کشور، معنای حکومت مردمی است. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶)
۲۵	K25	مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهن‌ها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است. ( مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۹)
۲۶	K26	در تفکر دینی، اساس حاکمیت دین و نفوذ دین و قدرت دین، در اعمال آن روش‌ها خود برآرسیند به اهدافش به چیست؟ تکیه اصلی به چیست؟ به مردم است. تا مردم نخواهند، تا ایمان نداشته باشند، تا اعتقاد نداشته باشند، مگر می‌شود... در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیرمستقیم با آرای مردم ارتباط دارند و مردم تعین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خود را از دست داده است. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴)

(منبع: برگرفته از بیانات و سیاست‌های ابلاغی امام خمینی و مقام معظم رهبری)

#### ۱.۱.۴. ۱. دسته‌بندی و نام‌گذاری مضامین پژوهش:

در این مرحله، مضامین پایه‌ای با درجه اهمیت و ارتباط بالای احصا شده در مرحله پیشین، باتوجه‌به میزان ارتباط و همبستگی میان آنها دسته‌بندی شده و پنج مضمون سازمان‌دهنده، تولید و نام‌گذاری شد (جدول شماره ۲).

#### ۱.۱.۴. ۲. گزارش و توصیف نتایج پژوهش:

پس از طی مراحل تبدیل متن به جملات و نیز به مضامین، دسته‌بندی و نام‌گذاری مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر، در این مرحله به مفصل‌بندی دوباره و جدید و درنهایت، تولید گزارش نهایی خواهیم پرداخت.

جدول شماره(۲): مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه ای پژوهش

مضمون پایه ای پژوهش	کد مضمون	مضامین سازمان دهنده(اصول)	مضمون فرامبر
مبثی بودن پیشرفت و توسعه به وحدت کلمه توجه به اسلام	P16	مهر همگسستی و محوریت همه گرامر (۱)	اصول و مؤلفه های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبثی بر آرا و اندیشه های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری
همگرایی و هم‌افزایی سه قوه در جهت اتحاد و انسجام ملی	K10		
تأثیر مستقیم وحدت کلمه و همبستگی ملی	K8		
انسجام و و همبستگی مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور	K19		
قدرت درحفظ اتحاد و وحدت کلمه	K3		
افزایش مشارکت مردمی و محور قرار گرفتن مردم در اداره جامعه	K2	۲) اصل مردم سالاری دین	
توسعه‌ی مردم‌سالاری دینی مایه‌ی رشد و توسعه مادی و معنوی	K5		
افزایش مشارکت سیاسی مردم در همه شئون نظام	K24		
تصمیم‌گیران نهایی تمامی مسائل مردم در نظام اسلامی	p6		
افزایش مشارکت و رأی مردم پایه مشروعیت نظام اسلامی	K26	۳) اصل عدالت اجتماعی	
تدوین قوانین در نظام اسلامی باید بر منای عدالت اجتماعی باشد.	P21		
کاهش فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی و برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصت‌ها	K14		
لزوم پیاده سازی عدالت اجتماعی، مبارزه‌ی با ظلم و مبارزه‌ی با فساد است.	K22		
پابندی نظام اسلامی به آرمان عدالت اجتماعی و حرکت در مسیر عدالت	K23	۴) اصل قدرت و اقتدار	
پیشرفت های و خودکفایی و قوی شدن در حوزه اقتصاد ، کشاورزی و صنعت تولید اقتدار و قدرت می کند	P17		
پیشرفت های علمی تولید اقتدار و قدرت می کند(اقتدار علمی)	K18		
علم، عامل ایجاد اقتدار اقتصادی،سیاسی و آبرو و کرامت ملی است	K20		
ایجاد عناصر اقتدارملی(قدرت؛ اقتصادی، نظامی ، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، علمی-فناوری)	K1	۵) اصل کارآمدی نظام سیاسی	
لزوم تدبیر برای توسعه و تعمیق عناصر قدرت و اقتدار نظام اسلامی	K4		
شناخت توطئه دشمن در ناکارآمد نشان دادن کشور (مقابله با جنگ روانی)	K13		
معیار قضاوت و ارزش‌گذاری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی ، نباید معیارهای غربی باشد.	K7		
پاسخگویی مسئولین در مقابل مسؤلیت خود(پاسخگویی)	K25	۵) اصل کارآمدی نظام سیاسی	
طراحی فرایند استفاده از مدیران شایسته و کارآمد، برخورد با مدیران نالایق( شایسته سالاری)	P15		
طراحی سازوکار لازم برای ارزیابی عملکردها حکومت(ارزیابی عملکرد)	K12		
ارتقای اثربخشی و کارایی اداری(اثربخشی عینی عملکرد)	K11		

## ۵. اصول حاکم بر ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی:

حکومت‌ها بایستی در فرایند اعمال و تحقق آرمان‌ها، خود را مقید به اصولی نموده و بر آنها پایبند باشند. این اصول، هنجارها و ارزش‌هایی هستند که در رویه نظام‌سازی بر حکومت و روابط آن با شهروندان حاکم بوده و از تنوع و تکثر برخوردار هستند و بر اساس معیارهایی تقسیم‌بندی می‌شوند (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۲۶). تبیین اصول حاکم بر نظام‌سازی از آن جهت ضرورت دارد که فروع، جایگزین اصول نشوند. شایان یادآوری است از آنجاکه این نوشتار مربوط به اصول و مؤلفه‌های پایه‌ای حاکم بر ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی است، لذا صرفاً به خطوط اساسی برخی از اهم این اصول می‌پردازیم:

### ۵. ۱. مضمون سازمان‌دهنده «اصل وحدت کلمه و همبستگی ملی»:

وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی، شرعی، سیاسی و اجتماعی است که از مهم‌ترین عوامل حفظ، بقای، استحکام و استمراربخشی اجتماع و مدینه انسانی است و بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. امام خمینی علیه السلام معمار بزرگ انقلاب اسلامی، وحدت را به‌عنوان یک استراتژی قبول داشت؛ وحدت ملی برای حفظ کشور، به غارت نرفتن منافع ملی؛ انسجام و اتحاد اسلامی، برای حفظ عزت مسلمانان و ضربه نخوردن اسلام و قرآن، و اتحاد بین مستضعفان برای مبارزه با استکبار؛ زیرا ایشان بارها و بارها بر اتحاد برای پیروزی مسلمانان تأکید نموده و میوه‌های وحدت را پیروزی، نابودی دشمنان، شکوفایی، پیشرفت کشور و مسلمانان و ... بر می‌شمرند.

امام خمینی علیه السلام وحدت را علت محدثه و مبقیه نظام اسلامی و اسلام و وحدت را ضامن بقای مسلمانان دانسته‌اند (جمشیدی و محمدی، ۱۳۸۹: ۵۹). وحدت را عامل قدرت و تفرقه را موجب سستی پایه دیانت تلقی کرده و یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانست. امام خمینی در بیان مفهوم وحدت دو نکته با هم بودن و اجتماع داشتن و اعتصام در راه حق را مطرح می‌کنند و اعتقاد دارند که وحدت حقیقی بدون اعتصام به حبل خدا معنا نخواهد داشت. وحدت از دیدگاه امام دارای دامنه وسیعی است و وحدت مستضعفان یا مسلمانان در راه اهداف کلی دینی و دستیابی به کمال و رشد مطرح است.

ایشان وحدت را از علل محدثه و رمز ماندگاری انقلاب اسلامی می‌دانستند. انسجام امت اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری، به معنای فهم درد مشترک، دشمنی‌های مشترک و ظرفیت‌های مشترک است که در این یک نوایی و همدلی است که وحدت، عینیت می‌یابد. مقام معظم رهبری به موضوع وحدت چنان اهمیتی می‌دهند که آن را به‌عنوان مسئله‌ای استراتژیک و نه تاکتیکی معرفی نموده و همواره علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر اسلام دعوت کرده‌اند. وحدت در نگاه مقام معظم رهبری به معنای نبودن تفرقه، درگیری و کشمکش است. از دیدگاه امام خمینی تحقق جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومتی مطلوب و شایسته برای جامعه انقلابی ما نیز حاصل این وحدت بود و بنابراین حفظ آن نیز برای بقای این وحدت لازم و ضروری است. در واقع وحدت ضروری تشکیل حکومت و تشکیل حکومت عامل ضروری برای حفظ وحدت است. این دو ملازم یکدیگر هستند. حکومت عدل الهی با اعتصام به حبل‌الله و برای ایجاد و استمرار این اعتصام به وجود می‌آید. در واقع به تعبیر حضرت امام وحدت برای حفظ نظام لازم است و حکومت برای تأمین وحدت ضروری (جمشیدی، ۱۳۷۸: ۴۳).

## ۵. ۲. مضمون سازمان‌دهنده «اصل مردم‌سالاری دینی»:

در آرا و اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری، مردم‌سالاری دینی نقشی بی‌بدیل در ارتقای مشروعیت نظام سیاسی دارند. در این بحث وحدت دیدگاه امامین انقلاب قابل‌مشاهده است، مقام معظم رهبری ضمن تبیین شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی علیه‌السلام از مردم به‌عنوان عامل شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آرا مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این‌رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده است، مردم‌سالاری حقیقی است؛ مانند مردم‌سالاری مکاتب غربی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم نیست. مردم با رأی، اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را نیز انتخاب می‌کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام خمینی را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌دانند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست

که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام خمینی و رهبری، مردم سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (شورا: ۳۸) و «هو آذین ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۳/۸/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3258>).

### ۵.۳. مضمون سازمان دهنده «اصل عدالت اجتماعی»:

امام خمینی، به عنوان بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران، عدالت را یکی از مهم ترین ارزش های جوامع بشری در همه اعصار و مکان ها می داند. تأکید و تکرار ایشان بر مفهوم عدالت و مضامین نزدیک به آن در آثار خویش گواه آن است که از یک سو عدالت در نزد امام دارای ارزش زیادی بوده و از سوی دیگر مواردی همانند ظلم، جور و ... به شدت مورد نفی و طرد واقع شده اند. سیری در صحیفه امام بیانگر آن است که مفاهیمی از قبیل عدالت ۴۲۰ بار، عدل ۳۴۶ بار، محروم ۳۸۹ بار، محرومان ۱۰۵ بار، محرومین ۸۶ بار، مستضعفان ۳۱۰ بار، مستضعف ۲۵۵ بار، فقیر ۱۳۸ بار، فقرا ۱۲۵ بار، فقر ۱۱۳ بار، و مصادیق مشابه دیگر نیز بارها به شکل اثباتی تأکید و بر لزوم توجه به آنها بسیار توصیه شده است. در کنار این ها مواردی همچون جور ۸۳۸ بار، ظلم ۸۱۲ بار، فساد ۷۸۲ بار و ستم ۲۰۷ بار به گونه سلبی خاطر نشان و بر حذف و ریشه کنی آنها از عرصه جامعه پافشاری گردیده است (آقایور، ۱۳۸۴: ۷۱). عدالت به عنوان یکی از مقاصد و آرمان های اصلی حکومت اسلامی و رهبران آن بوده و هست. این مهم باعث شده است که این عنصر نقش و جایگاهی مهم در اندیشه و عمل آنان داشته باشد، عدالت که از اصول دین مبین اسلام است، یکی دیگر از شاخصه های عمده مشروعیت نظام اسلامی است. قرآن به عدالت ورزی امر می کند. «یا ایها الّذین آمنوا کونوا قوامین بالّقسط» (نساء: ۱۳۵). در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می کند. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵). در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن ها معلول انحراف است و تمدن ها بعد از آنکه به اوج می رسند، به دلیل ضعف ها و خلأها و انحراف های خود، رو به انحطاط

می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. ایشان در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می‌کنند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پرکردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند:

از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

#### ۵.۴. مضمون سازمان‌دهنده «اصل اقتدار ملی حکومت اسلامی»:

مشروعیت هر ملت و مکتبی، در پناه اقتدار آن حفاظت می‌شود. اقتدار، به قدرت دارای مشروعیت که از ناحیه یک حکومت برای تأمین و تحقق اهداف و منافع ملی کشور اعمال می‌گردد، اقتدار ملی گفته می‌شود. اقتدار ملی، برآیند ارزش‌ها فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی همراه با شرافت‌ها انسانی است که می‌تواند باعث اعتلا و سربلند جامعه در عرصه داخلی و بین‌المللی شود و امکان توطئه، تطمیع و تجاوز را از بیگانگان بگیرد (جهان‌تاب، ۱۳۸۵: ۳۲). اقتدار، قدرت نهادی شده با حق

مشروع برای نفوذگذاری با هدایت رفتار دیگران بوده و بر سه اصل مشروعیت، رضایت و پشتیبانی همگان در قالبی قانونی مبتنی است (گروه مطالعات امنیت ملی، ۱۳۹۰: ۴۵). از نظر امام خمینی علیه السلام، اقتدار ملی در پیوستگی حکومت و مردم است. ایشان معتقدند یک دولت در صورتی می‌تواند مقتدر باشد که مورد حمایت مردم بوده و به توانایی‌ها آن‌ها متکی باشد (صحیفه امام، ج ۵: ۹۸). اقتدار ملی، متضمن وجود عناصر فعال و با صلاحیتی است که بتوانند با ایفا نقش خود برای نظام، در دو بعد داخلی و خارجی کسب اعتبار و اقتدار کنند. در معنای اصطلاحی، اقتدار ناظر بر کارآمدی دولت و کارآمد نظام سیاسی در چارچوبی مشروع و مقبول و در محیط ملی و عرضه بین‌المللی است. واژه اقتدار ملی، از منظر و رویکردها مختلفی من جمله اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق با رویکرد اجتماعی، اقتدار در ارجاع و اشاره به هر نوع نظام قدرت یا کنترل اجتماعی به کار می‌رود که از سوی افرادی که با آن سروکار دارند به‌عنوان نظامی مشروع تلقی می‌شود. در این معنا اقتدار، رابطه‌ای نزدیک با مشروعیت نظام سیاسی دارد. مطابق با رویکرد سیاسی، اقتدار ملی بر اساس دستاوردها و توانمندی‌های عمومی هر کشور تأثیرگذار در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارزیابی می‌شود (گروه مطالعات امنیت ملی، ۱۳۹۰: ۴۵). مراجعه به اسناد بالادستی به‌ویژه بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که اهمیت و نقش اقتدار همواره مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان می‌فرمایند:

سه عامل اساسی اقتدار ملی این‌ها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون و حفظ روحیه انقلابی‌گری در همه بخصوص در جوان‌ها؛ اینها است که می‌تواند کشور را حفظ کند؛ آن وقت دشمن مأیوس خواهد شد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۸/۶/۹۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30716>).

## ۵.۵. مضمون سازمان‌دهنده «اصل کارآمدی نظام سیاسی»:

کارآمدی یکی از مفاهیم بنیادی در اندیشه سیاسی است که امروزه در نظام‌های سیاسی، بسیار بر آن تأکید می‌شود و یکی از اصول و شاخص‌های اصلی مشروعیت حکومت اسلامی مسئله کارآمدی است. مسئله کارآمدی ارتباط مستقیمی با مشروعیت‌یابی نظام سیاسی دارد. یک نظام

سیاسی به واسطه کارآمدی می‌تواند مشروعیت خود را اثبات کند. در یک تعریف، کارآمدی به ایفای بهینه کارویژه‌های حکومت اطلاق می‌شود؛ بنابراین کارآمدی لازمه بقا و پویایی نظام‌های سیاسی و فرایندی برای سنجش جریان مشروعیت در آن نظام است. در واقع ارتقای کارآمدی حکومت اسلامی، یکی دیگر از ارکان اصلی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی است. کارآمدی و کارکرد مدیران در حکومت اسلامی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حوزه‌ای است که در فرایند دستیابی به ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی و تحقق آرمان‌ها خود را نشان می‌دهد. البته در دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری نقش مردم و مدیریت نظام اسلامی همراه و همگام دیده شده است، اما بر واقع‌بینی و آرمان‌گرایی و عملکرد مفید در عرصه مدیریت کلان و جزئی نظام تأکید داشتند؛ زیرا پس از منصب رهبری کارگزاران نظام می‌توانند از جنبه مثبت و منفی در تمام ابعاد زندگی مردم اثر داشته باشند. نگاه مقام معظم رهبری به مقوله کارآمدی نظام، بسیار اساسی است تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها می‌داند و میان مشروعیت و کارآمدی، پیوند برقرار می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۱ / ۰۶ / ۸۳؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3250>)؛ این رکن به‌نوعی، مکمل چهار رکن اصلی دیگر است؛ یعنی کارآمدی، عنصری است تضمین کرده‌اند حکومت اسلامی است.

### نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش‌گویی این است، اصول و مؤلفه‌ها مشروعیت حکومت اسلامی، یکی از کارهای مهم و درعین‌حال، ضروری برای آسیب‌شناسی هر نظام سیاسی است. هر حکومتی برای اینکه بتواند به اهداف و آرمان‌های اعلامی خود دست یابد، بی‌تردید باید در مراحل مختلف، به ارزیابی و آسیب‌شناسی راه رفته خود پرداخته، با برنامه‌ریزی دقیق در جهت حفظ، تثبیت و رسیدن به اهداف خود حرکت کند؛ در این راستا طرح موضوع اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی از این حیث اهمیت دارد که ارتقای مشروعیت موجب استحکام و استمراربخشی هرچه بیشتر حکومت می‌شود، کم‌توجهی یا نپرداختن به این موضوع می‌تواند زمینه تضعیف و زوال بنیان‌های مردمی حکومت را موجب شده و همین موضوع ضرورت تحقیق را نشان می‌دهد. پرسش این بود که اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبتنی بر آرا و اندیشه

حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری چیست و چگونه می‌توان الگوی مواجهه با آن را صورت‌بندی نمود؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پس از تجزیه تحلیل فیش‌های، در نهایت از مجمع ۱۰۰ فیش احصاء و استخراج شده ۲۶ فیش با ارتباط بالا گزینش شد، کلیت اصول مستخرج در چارچوب پنج مضمون اصلی: (۱) اصل وحدت کلمه و همبستگی ملی؛ (۲) اصل مردم‌سالاری دینی؛ (۳) اصل عدالت اجتماعی؛ (۴) اصل اقتدار ملی حکومت اسلامی؛ (۵) اصل کارآمدی نظام سیاسی؛ و ۲۶ مؤلفه فرعی سازماندهی شده‌اند. بدین ترتیب ترکیبی از اصول و مؤلفه‌ها سلبی و ایجابی در سطح کلان حکومت اسلامی و بخش‌های زیرمجموعه نظام به‌عنوان راهبردهای مورد امامین انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در این چارچوب برای عملیاتی‌شدن اصول بیان شد، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های را تبیین نموده‌اند. مقام معظم رهبری، بر لزوم استخراج و بررسی این اصول و مؤلفه‌ها را به‌دفعات مطالبه فرموده بودند؛ این مفاهیم تولید شده، طبق نظر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری می‌تواند سنجه‌ای برای ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی قرار گیرد. خلاصه یافته‌های مقاله را می‌توان در قالب نمودار شماره (۳) ترسیم کرد:



## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمی (۱۳۹۴)، تهران: انتشارات پیراسته.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، قم: دفتر نشر الهادی.
- امام خمینی علیه السلام، سید روح الله (۱۳۶۸)، *تحریرالوسیله*، جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ سوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰)، *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (جلد ۲۲)*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- بابک معین، مرتضی (۱۳۹۴)، *مفهوم مضمون و آسیب شناسی نقد مضمونی، پژوهش های ادب و زبان فرانسه سال دوم، ش ۴*.
- بشریه، حسین (۱۳۸۶)، *جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی*.
- جمال زاده، ناصر و همکاران (۱۳۹۷)، *مؤلفه های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱*.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۱)، *عدالت اجتماعی در اندیشه امام علیه السلام، قم: پژوهشکده باقرالعلوم*.
- جهان تاب، محمد (۱۳۸۵)، *بررسی مؤلفه های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در آن، دانش انتظامی، شماره ۳۲*.
- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *مشروعیت حکومت ولایی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۷*.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران*.
- رابرت دال (۱۳۶۴)، *تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران: نشر مترجم*.
- رنجبر، احمد (۱۳۹۵)، *عدالت اداری، تهران: بنیاد حقوق میزان*.
- شبان نیا، قاسم (۱۳۹۰)، *حقوق بشر در پرتو مشروعیت الهی حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال شانزدهم، شماره چهارم*.
- شیخ زاده، محمد و همکاران (۱۳۹۰)، *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبرد، سال پنجم*.
- عبدالرحمن، عالم (۱۳۸۹)، *بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی*.

- لاریجانی، علی و غلامی ابرستان، غلامرضا (۱۳۹۰)، *رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۶، شماره پیاپی ۱۶ پاییز.
- گروه مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۹۰): *نظریه‌های امنیت ملی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵)، *نظریه سیاسی اسلام*، تحقیق و نگارش کریم سبحانی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، *لغت‌نامه معین*، تهران: نشر فردوس.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵)، *دانشمند و سیاستمدار اثر ریمون آرون*، ماکس وبر، تهران: علم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از وسفالی تا امروز*، تهران: قومس.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Dictionary Oxford Advanced Learn, 799674, P. 1s
- Braun, Virginia; Victoria Clarke (2006) Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
- Boyatzis, R.E (1998). Transforming qualitative information: thematic analysis and code development. Saga publications
- <http://farsi.khamenei.ir>: